

علل شکست کمپ دیوید دوم و عدم اعلان کشور مستقل فلسطین

محمود عباسی (ابومازن) دبیر کل کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین طی گزارشی در برابر مجلس مرکزی فلسطین در غزه دلایل شرکت فلسطینی ها در گردهمایی کمپ دیوید و مسائل مطروحه در آن را عنوان نمود. این گزارش رسمی به عنوان یک سند آخرین وضعیت روابط فلسطینی ها و رژیم صهیونیستی را نیز نشان می دهد.

محمود عباسی (ابومازن) طراح و معمار مذاکرات دوجانبه فلسطینی-اسرائیلی است که یکی از بارزترین نقشهای او در مذاکرات و قراردادهای اسلو متجلی گردید. او از ۱۹۹۳ تا کنون در بالاترین رده مذاکراتی پس از عرفات قرار دارد و گفته می شود در صورت فقدان عرفات جانشین وی خواهد بود.

روزنامه الحیاء، مورخ دوشنبه ۲۱/۶/۷۹ (۱۱/۹/۲۰۰۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آنچه که مرحله پس از تشکیل مجلس مرکزی سابق تا دوره کنونی را متمایز می سازد برگزاری کنفرانس سران در کمپ دیوید است که به مدت دو هفته چشمان جهانیان را به خود معطوف داشت. قبول دعوت برای شرکت در این کنفرانس برای ما ساده نبود و مخالفت هایی داشتیم که مهمترین آن عدم آمادگی مناسب برای این کنفرانس بود، علت آن نیز به خاطر داده هایی بود که قبل از این دعوت در دست داشتیم. در این دوره ابتدا مذاکرات فشرده و عمیق، سری و آشکاری در منطقه داشتیم که سپس به استکهلم، واشنگتن در بولینگ بیس و در پایگاه آندروز منتقل شد. مذاکرات بر دو موضوع مرزها و امنیت تمرکز یافت،

اما دو موضوع از مسایل مرحله پایانی یعنی پناهندگان و قدس مورد بحث قرار نگرفت. اما آن مذاکرات به هیچ نتیجه ای نرسید که بتوانیم آن را نوعی توافق و یا حتی تفاهم بنامیم، علاوه بر این که در روزهای اخیر برای ما روشن شد که طرف اسرائیلی تصمیم گرفته است تا این مذاکرات را به پیش نبرد و در این اندیشه است که به اجلاس سه جانبه خواهد رفت و در سریعترین زمان ممکن همه مشکلات و قضایایش را حل خواهد نمود. از این رو روند مذاکرات در جامی زد.

برادران مذاکره کننده از روش غیر قابل درک اسرائیلی ها بسیار ناراحت بودند و از این رو مذاکراتی که عنوان شد، بیهوده و بدون نتیجه بود و بنابراین همه ما سؤال می کردیم که بر چه پایه و اساس و داده ای اسرائیلیها و امریکاییها این قدر مطمئن بودند که اگر یک اجلاس سه گانه میان رئیس جمهور کلینتون، رئیس عرفات و نخست وزیر اسرائیل تشکیل شود، قادر خواهند بود در زمینه مسائل مرحله پایانی قرارداد یا موافقتنامه ای منعقد نمایند.

برای برگزاری این اجلاس، تماسها آغاز گشت و فشارها چه از طریق ارتباط مستقیم مثل دیدار وزیر امور خارجه امریکا، آلبرایت و دنیس راس و چه به صورت تلفنی از سوی رئیس جمهور، کلینتون، افزایش یافت. پاسخ رهبری فلسطینی مبتنی بر ضرورت آماده سازی و تدارک دقیق این کنفرانس در این سطح بود. رهبری فلسطین احتمال شکست آن را هشدار داد. به ویژه این که آقای باراک چندین بار و در چند مناسبت اعلام کرد او با پنج «نه» خود در این کنفرانس شرکت می کند، که هیچ تناسبی با قطعنامه های بین المللی مربوطه که تنها مرجع این مذاکرات می باشد، ندارد. تعجب آور این که آمریکایی ها به ضرورت آماده سازی معتقد بودند و در مورد اهمیت اختصاص فرصت بیشتر برای تدارک بهتر و فشرده با ما توافق داشتند. اما در عین حال به برگزاری کنفرانس اصرار می نمودند انگار که تلاش می کردند ما را به آن کنفرانس بکشانند. تا این که آلبرایت به منطقه آمد و توافق کردیم که طی دو هفته تدارک خوبی را ببینیم و بعد از این او قبول کرد از تلفن رییس جمهور کلینتون غافلگیر شدیم. او خواستار تشکیل کنفرانس در طی یک هفته شد و هنگامی که از او درباره تدارک پرسیده شد

گفت که هیأتها دو روز قبل از اجلاس برای آماده‌سازی بیایند. برای ما روشن شد که آمریکایی‌ها بیشتر برای خودشان حساب و کتاب می‌کنند و می‌خواهند به هر قیمتی فوراً به این کنفرانس برویم.

ما در برابر دو انتخاب قرار گرفتیم یا این که موافقت کنیم در حالی که از قبل می‌دانستیم که این کنفرانس با شکست روبرو خواهد شد و احتمالاً آمریکایی‌ها را مسئول نتایج این شکست می‌دانستیم یا اینکه مخالفت می‌کردیم و مذاکرات را متوقف و عملیات صلح را با مشکل مواجه می‌نمودیم، بنابراین ما ترجیح دادیم که انتخاب اول را داشته باشیم.

آمریکایی‌ها شرط کردند که تعداد اعضای هیأت ما بیش از دوازده عضو نباشد و اگر می‌خواهیم تعداد زیادتری عضو باشند آن افراد می‌توانند در مکانی نزدیک به کمپ دیوید استقرار یابند بنابراین می‌شد در صورت ضرورت از آنها کمک گرفت و یا تماس پیدا کرد.

تصمیم گرفتیم که تعدادی از اعضای کمیته اجرایی و وزرا را به هیأت اضافه کنیم تا از مشورت آنها بهره ببریم. زیرا موضوع اهمیت زیادی داشت و باید همه در جریان آنچه که می‌گذشت باشند تا مسئولیت نتایجی را که احتمالاً در مورد آنها به توافق می‌رسیدیم به عهده بگیرند زیرا مسائلی که در مورد آن به بحث می‌پرداختیم و به توافق می‌رسیدیم مسایل نهایی بود که بازنگری و تجدید نظر در آن راهی نداشت. آنچه که تصمیم گرفته می‌شد تصمیم نهایی بود که از آن گزیری نبود و امکان نقض آن وجود نداشت زیرا هر نتیجه‌ای که به دست می‌آمد یک دست‌آورد ابدی بود و اگر ضرر می‌کردیم یک خسارت ابدی محسوب می‌شد.

تعدادی از اعضای کمیته اجرایی و وزرا و شخصیت‌های ذیربط با پذیرش این دعوت عازم واشنگتن شدند و از نزدیک در جریان مسایل بودند. عزیمت این مجموعه از اعضای رهبری به واشنگتن بیهوده نبود زیرا وزیر خارجه آمریکا ناچار شد تا به نزد آنان بیاید و نقطه نظرات آنان را بشنود و چقدر مفید بود که وزیر خارجه از دیدگاه و مواضع و ایده‌های بخش دیگری از رهبریت که به نظر آمریکایی‌ها تندرو محسوب می‌شدند شخصاً مطلع گردد.

در همین زمان هشت نفر از حقوقدانان و مشاورین و کارشناسان نقشه‌برداری را به همراه برده بودیم تا در هنگام نیاز آماده باشند و تمام منابع و اسناد و ایده‌هایی را که قبلاً

برای این لحظه آماده ساخته بودند، ارایه نمایند.

می توانم بگویم که از وجود این جوانان حماسه ساز که از خبرگی و تجربه خود اطمینان داشتند افتخار و سعادت بزرگ و اعتماد زیادی نصیب ما شد و طبیعتاً توانستیم در مرحله دوم مذاکرات آنها را وارد کمپ دیوید نماییم تا تمام وقت در کنار ما باشند و تمامی اسناد و منابع آنها نیز در هنگام نیاز در دسترس قرار گرفت.

خارج از کمپ دیوید نیز اعضای اصلی دو کمیته مهم آب و اقتصاد جلسه داشتند آنها قبل از اینکه به آمریکا بیایند به تعدادی از تفاهم ها رسیده بودند. گروه ما معتقد بود که این تفاهم ها می تواند به صورت یک توافق درآمد اما ناگهان متوجه شدند که طرف اسرائیلی به نقطه صفر برگشته و تمامی آنچه را که در گذشته در مورد آنها صحبت و یا تفاهم شده به فراموشی سپرده اند. آنها هر گونه صحبت و یا مذاکره را متوقف کردند. با این وجود ما از گروه خود خواستیم که بماند و عقب نشینی نکند تا نگویند ما با مذاکرات مخالف هستیم و روند مذاکره را تعطیل کردیم.

ما با موضوعی که می دانید و چندین بار آنها را توضیح داده ام و نهادهای تقنینی مختلف ما به آن اتکا نموده اند، به کمپ دیوید رفتیم. این مواضع از دیدگاه ما حداقل چیزی است که می توانیم آنها را بپذیریم و این دیدگاه مبتنی بر قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ و قطعنامه ویژه پناهندگان و براساس توافقات امضا شده بین ما و طرف اسرائیلی و کنوانسیون چهارم ژنو و پیمان لاهه و برپایه اسناد و مدارک اسرائیلی مربوط به شکست در ۱۹۴۸ در مورد اجبار پناهندگان به ترک خانه هایشان و اثرات اشغال و اقدامات آنها چه قبل از جنگ ۱۹۶۷ و یا بعد از آن می باشد و نشأت یافته از قطعنامه های متعدد شورای امنیت در مورد الحاق قدس و یا احداث شهرک های صهیونیستی می باشد.

این اسناد مانع از آن نشد که دست از نگارش یادداشت های حقوقی و تحقیقات سیاسی که دیدگاههای ما را به شیوه علمی و حقوقی به دور از کلی گویی بیان نماید، برداریم این امر شایسته احترام و تقدیر بوده و مانع از بهانه جوییهایی طرف دیگر که همیشه به دنبال نقاط ضعف می باشد تا از خلال آن از تعهدات خود فرار نماید، شده است.

مذاکرات دو هفته ای کمپ دیوید نبردی سخت، پر از مشکلات و فشارهای روانی و انسانی بود که نیاز به تحمل و صبر زیادی داشت و در بیشتر اوقات شجاعتی مافوق توان بشر را می طلبید و ما شجاعت را ساعتی صبر و ساعتی تحمل می دانیم و تمام فشارها و تهدیدها و تطمیع ها اساساً برای ابوعمار بود که در برابر آنها ایستاد و با کمال اقتدار آن را تحمل نمود زیرا که دقیقاً می دانست چه می خواهد و چه می تواند بدهد و چه می خواهد بگیرد. شکل موضوع در ذهن او روشن بود و لحظه ای از خط مستقیم که منبعث از خواسته های مردم ما است و امانتی است که بر دوش ماست و در دهه های طولانی آن را تحمل نموده ایم، منحرف نشد.

این نبرد تمامی مردم فلسطین را در هر جا که هستند در بر گرفت، پشتیبانی مردمی از هیأت مذاکره کننده از خلال تظاهرات تأییدی و یا پیام های ارسالی، توان جدیدی را به وجود آورد و به بسیاری از زمینه های شک آمیز و اتهام برانگیز مبنی بر تفریط و یا کوتاه آمدن هیأت مذاکره کننده را پاسخ داد و از این رو اکنون مجلس مرکزی وظیفه تقویت این وحدت و تحکیم موضع ملی در مقابله با فشارها و تهدیداتی که با آن روبرو هستیم را دارد.

در سطح عربی نیز تماسهای مستمری با جهت های عربی و بین المللی ذریبط وجود داشت به نحوی که لحظه به لحظه از روند مذاکرات و مواضع ما مطلع می شدند.

هیچکس این تصور را نداشت که ما از این تجربه سربلند و دلیرانه با آسودگی خاطر و وجدانی راحت خارج شویم و مایی که هیچ منبع قدرت و فشار یا توانی به جز اراده و ایمان نداریم، به امریکاییها «نه» بگوییم؛ زیرا هیچکس - هر چه قدر هم بلند پایه و سرسخت باشد - تصور گفتن چنین سخنی را نمی کند.

خارج از محیط مذاکره در نقاط مختلف جهان در هر لحظه ای انتظار داشتند که دود سفید بیرون بیاید^{۳۳} و با توافقی خارج شویم که ما را با آن مورد ملامت قرار دهند و تهمت های خیانت و تفریط و کوتاه آمدن را متوجه ما سازند؛ و آیا آنان دچار ناراحتی شدند و

^{۳۳} اشاره به اجلاس کاردینالها پس از مرگ و یا برکناری پاپ برای انتخاب پاپ جدید از میان کاردینال های موجود است که پس از ساعتها و حتی روزها مباحثه و گفتگو نهایتاً از دودکش محل مذاکره دود سفیدی خارج می کنند به این معنی که پاپ جدید انتخاب شد.

گمان و تصور آنها باطل شد؟ نمی دانم ولی آنچه می دانم این است که کسانی که ما را دوست دارند خوشوقت شده و افتخار کردند و آن کسانی که از ما کراهت دارند ناچار به احترام و تقدیر ما شدند.

این احساس ما بدین معنی نبود که ما به کمپ دیوید رفتیم تا در مورد راه حلی به توافق نرسیم یا فقط برای مخالفت کردن رفته باشیم تا بگویند که ما مخالفت کردیم و پایداری نمودیم. نه، ما برای رسیدن به حل و فصل رفتیم و با تمام اخلاص و جدیت مذاکره کردیم و در تمامی موضوعات با رغبت شدید برای رسیدن به پایان این کشمکش که یک قرن تمام ادامه یافته، وارد شدیم. اما به صراحت بگویم ما برای به دست آوردن یک سازش به هر بهایی نرفتیم و در برابر فشارها، تطمیع و تهدیدها، تصمیم به پایداری گرفتیم.

ما به کمپ دیوید نرفتیم تا به آمریکا و صهیونیسم جهانی «نه» بگوییم درست زمانی که بسیاری جرئت گفتن آن را ندارند، بلکه به آنجا رفتیم تا به حق و عدالت و مشروعیت بین المللی «بلی» بگوییم و هنگامی که از دسترسی به آن ناتوان شدیم با دهان باز «نه» گفتیم. ما آن گونه که تلاش می کنند ما را نشان کنند، از دست رفته نبودیم و و آنطور هم که میلند ما را توصیف نمایند، تندرو نبودیم بلکه خواهان حق و داعیان عدالت و انصاف بودیم.

ما در کمپ دیوید چهار کمیته تشکیل دادیم. امنیت، مرز، پناهندگان و چهارمی قدس. فعالیت کمیته ها صبح تا شب برای بیان مواضع و دلایل و برهانها بود. رئیس جمهور کلینتون از این کمیته ها بازدید می کرد و سپس با عرفات و باراک دیدار می نمود و در بعضی اوقات با آن کمیته ها و عرفات و باراک همزمان ملاقات می کرد و تلاش های زیادی برای نزدیک شدن دیدگاههای دوطرف انجام می داد و کلیه مقامات وزارت خارجه و امنیت ملی وی را در این مورد یاری می دادند.

هیات ما روزانه چندین بار با عرفات دیدار داشت و وی را از روند مذاکرات مطلع می ساخت و در مورد آنچه که گذشته و یا مطرح خواهد شد مشاوره می کرد.

خلاصه آنچه که در چهار کمیته مطرح شد به صورت ذیل است:

قدس: اسرائیلی‌ها دیدگاه خود برای حل مشکل قدس را از طریق آمریکایی‌ها ارایه نمودند بر این اساس که حاکمیت برچند دهکده اطراف شهر قدس را به فلسطینی‌ها بدهند و محله‌های قدس خارج از «دیوار» (حریم) تحت حاکمیت اسرائیل باقی بماند ولی از نوعی خود مختاری بهره مند شوند اما محله‌های داخل «دیوار» به بخش‌هایی تقسیم می‌شوند و محله ارمنی و محله یهودی از آنها جدا و بقیه محله‌ها از نوعی سیستم ویژه برخوردار می‌گردند. این طرح چند بار تغییر کرد اما اساس پیشنهاد اولیه تغییر نیافت. از جمله این تغییرات این بود که برای رییس سازمان آزادی بخش فلسطین مرکزی در داخل قدس داخلی مطرح کردند که دارای حاکمیت داخلی، مثل یک سفارت باشد.

پناهندگان: اسرائیلی‌ها موضع روشنی برای حل مشکل پناهندگان ارایه نکردند و تنها به اتخاذ موضع گیریهای اعتراض آمیز در جهت تلاش برای پراکندگی مسائل مطروحه در روی میز مذاکرات پرداختند. آنها اعتراف به مسئولیت اخلاقی و قانونی خود در رابطه با معضل آوارگان را نیز نپذیرفتند. آنها یک بار به طور تلویحی و غیرقانونی از امکان پذیرش قطعنامه شماره ۱۹۴ سخن به میان آوردند، آن هم زمانی که با اشاره به قبول بازگشت چند صد پناهنده در هر سال براساس اصول انسانی، مطرح نمودند که اگر با آنها موافقت کردیم، ممکن است که این اقدام، اجرای همین قطعنامه باشد. در مورد پرداخت غرامت، امکان ایجاد یک صندوق بین المللی وجود دارد تا سهمی از آن نیز برای پرداخت غرامت یهودیانی که از کشورهای عربی آمده‌اند، تعیین گردد. اما دارایی صندوق اداره اموال اشخاص غایب که اسرائیل برای اداره اموال اعراب رانده شده تأسیس نموده است به وسیله یک قانون اسرائیلی، کاملاً مصرف شده است.

مرزها: درخواست اسرائیلی‌ها با کنترل بر مرزهای فلسطین با کشورهای عربی (مصر و اردن) شروع شد. سپس تا حد درخواست حاکمیت بر ۱۵ تا ۲۰ درصد از رود اردن کاهش یافت. همچنین کنترل بر بخشی (نواری) از دشت (دره) اردن و الحاق ۱۰٫۵ درصد از مرزهای غربی تا کلیه شهرک‌هایی که در این منطقه قرار دارند را در بر گیرد. لازم به ذکر است

که تمامی شهرک‌های یهودی ساحل غربی بیش از ۱٫۸ درصد از اراضی فلسطینی را اشغال نمی‌کنند.

امنیت: اسرائیل علاوه بر کنترل کامل فضا، خواستار ۳ تا ۵ پایگاه به عنوان پایگاههای کنترل و همچنین پایگاههای عملیاتی برای پذیرش نیروهای اسرائیلی در زمان مورد نیاز می‌باشد. همچنین اسرائیلی‌ها استقرار خود را در نقاط عبور بین‌المللی جهت کنترل ورود افراد و کالاها و اسلحه مطرح کردند و در مورد کشور فلسطین خواهان خلع سلاح آن شدند.

آمریکایی‌ها سعی کردند تا از طریق وسایل ارتباط جمعی نشان دهند که پیشرفتی ملموس در مسئله پناهندگان و امنیت به وجود آمده است. ما که در قلب کمپ دیوید قرار داشتیم در مورد پیشرفت ملموسی که آمریکاییان از آن صحبت می‌کردند، از خود سؤال می‌کردیم که چه وقت و چگونه به دست آمده؟ لذا این گفته‌ها را اخبار تشویق‌آمیزی برای تلاش زدودن شبخ شکست از مذاکرات محسوب می‌کردیم.

و در همان وقت آمریکایی‌ها تلاش کردند تا بر بخشی از قدس تمرکز یابند و حاکمیت بر حرم را به عنوان راه حل محوری برای حل تمام مسائل از جمله بقیه قسمت‌های قدس مطرح کردند. این تلاش‌ها در ساعت‌های پایانی زمانی تعجب ما را فراهم ساخت که آنان خواهان حاکمیت اسرائیل بر منطقه «حرم» شدند به نحوی که نظارت بر عهده ما باشد و به تعداد اندکی از یهودیان جهت عبادت در آن محل اجازه داده شود.

این مهمترین محورهای مذاکرات اجلاس سران در کمپ دیوید بود که دو هفته کامل به طول انجامید و به هیچ نتیجه‌ای نرسید و چیزی در آن به نگارش در نیامد که تعبیری از نوعی قرارداد یا بندی از آن باشد.

اما این اجلاس از جهتی دیگر فرصتی برای طرح دو مسئله مهم را برای اولین بار فراهم آورد که عبارت بودند از قدس و پناهندگان. البته علاوه بر مسائل دیگری که بر روی میز مذاکرات با تمام جزئیات و امور آن مطرح گردید. به صورتیکه تمام این مسائل به صورت کاملاً روشن برای تمام طرف‌ها مطرح شد و مواضع هر طرف برای طرف دیگر کاملاً مورد شناخت

قرار گرفت. از این رو می‌گوییم این کنفرانس، گرچه برای رسیدن به یک توافق میان طرفین موفق نشد اما فرصتی برای تشریح تمام مسائل مرحله‌نهایی فراهم ساخت و راه را برای فهم مواضع هر طرف برای طرف دیگر بدون پرده‌پوشی یا ابهام، گشود.

و در همین زمینه هر از چندگاهی پیامی از رییس جمهور کلینتون در مورد طرحی یا موضوعی دریافت می‌کردیم و ما با تمام علاقه سعی می‌کردیم که پاسخ رییس جمهور آمریکا را با یک پیام کتبی به زبان عربی و با ترجمه انگلیسی تهیه کنیم تا از هر نوع دگراندیشی و بدفهمی و یا سوءتفاهمی که از یک گفتگوی شفاهی حاصل می‌آمد، جلوگیری نماییم.

می‌توانیم مواضع طرفین را در مورد هریک از مسائل به صورت ذیل خلاصه کنیم:

اول: امنیت

الف: موضع اسرائیل

- ۱- کنترل بخشی از دشت (دره) اردن برای مدتی که بیش از ۱۲ سال نباشد (برای حفظ شهرک‌ها و پایگاه‌های موجود در آن منطقه)
- ۲- درخواست شش پایگاه نظامی در ساحل غربی
- ۳- درخواست سه منطقه برای کنترل نظامی اسرائیلی
- ۴- استقرار اسرائیل در راه‌های عبور بین‌المللی جهت کنترل ورودی و خروجی
- ۵- کنترل فضایی مربوط به پرواز و همچنین بخش الکترومغناطیس

ب: موضع فلسطین

- ۱- قبول استقرار نیروهای بین‌المللی یا چند ملیتی در مرزها
- ۲- مخالفت با استقرار نیروهای اسرائیلی در اراضی فلسطینی

دوم: مرزها

الف: موضع اسرائیل

- ۱- جداسازی ۱۵ تا ۲۰ درصد از مرز رود اردن و بحرالمیت
- ۲- الحاق ۵/۱۰ درصد از اراضی ساحل غربی به اسرائیل

ب: موضع فلسطین

۱- مخالفت نهایی با جداسازی

۲- اصلاحات مرزی اندک که با بهاء و یا مشابه آن معاوضه می شود و بیش از ۲ درصد

نخواهد بود.

سوم: پناهندگان

الف: موضع اسرائیل

۱- پرداخت غرامت به پناهندگان

۲- ایجاد صندوق بین المللی برای این منظور و اسرائیل مثل هر کشور دیگری در آن

مشارکت کند.

۳- درخواست پرداخت غرامت از این صندوق به یهودیانی که از کشورهای

عربی آمده اند.

۴- اجازه بازگشت صدها نفر از پناهندگان با عنوان «جمع آوری خانواده ها یا به

دلایل انسانی».

ب: موضع فلسطین

۱- اسرائیل مسئولیت قانونی مصائب پناهندگان را به عهده دارد.

۲- حق بازگشت برای هر کس که مایل به آن است (قطعنامه ۱۹۴) باید تضمین شود و

بازگشت به معنی برگشتن به اسرائیل می باشد. *طاعات فرهنگی*

۳- پرداخت غرامت به کسانی که مایل به بازگشت هستند به علت به کار گرفته شدن یا

از بین رفتن اموال آنها، و پرداخت غرامت به کسی که مایل به بازگشت نیست به نسبت به

ارزش املاک و اموال و سختی که متحمل شده است.

۴- مسئول پرداخت این غرامت ها «صندوق اموال مفقودین اسرائیل» می باشد که برای

اداره امور اموال فلسطینی های پناهنده در سال ۱۹۴۹ تأسیس شد.

۵- پرداخت غرامت به کشورهای پذیرنده پناهندگان به علت بار سنگینی که بیش از نیم

قرن متحمل شده اند.

۶- پرداخت غرامت املاک عمومی فلسطین (مدارس- بیمارستانها- انجمنهای خیریه، مکان های مذهبی و موسسات عمومی)

۷- امکان ایجاد صندوقی بین المللی که بخشی از غرامت را تأمین نماید.

۸- مخالفت با مخلوط کردن مشکل پناهندگان فلسطینی و مهاجرین یهود از کشورهای عربی. با در نظر گرفتن این مسئله که موضوع مهاجرین یهود اگر برای آن زمینه یا نتیجه ای یافت شود یک مسئله دوم بین اسرائیل و هر کشور عربی به طور جداگانه می باشد.

چهارم: قدس

قدس شرقی که در سال ۱۹۶۷ اشغال گردید از دو بخش تشکیل می شود:

۱- حریم درونی: که شامل حرم قدس شریف و کلیسای قیامت و محله های اسلامی، مسیحی و ارمنی است و حریم بیرونی که مجموعه ای از محله ها مثل شیخ جراح و مصراره و باب العامود، خیابان صلاح الدین و غیر از آنها می باشد.

الف: موضع اسرائیل

اسرائیلی ها «قدس» را به بخش هایی تقسیم نموده و برای هر بخش یک صفت حقوقی خاص مشخص کرده اند.

حریم درونی قدس

* حرم شریف: تحت حاکمیت اسرائیل است و فلسطینی ها فقط بر آن نظارت می کنند.

* محله های اسلامی، مسیحی و ارمنی: تحت حاکمیت اسرائیل می باشد.

* مجتمع ریاست فلسطینی در داخل محله اسلامی و تحت حاکمیت فلسطین

خواهد بود.

حریم بیرونی قدس: تحت حاکمیت اسرائیل با اعطای صلاحیت های شهرداری به

شهرداری ابو دیس برای نظارت بر این محله ها

* دهکده های اطراف قدس به جز دو دهکده (اکنون بیشتر آنها در منطقه ب هستند)

تحت حاکمیت فلسطین خواهد بود.

* اسرائیلی ها از طریق دهکده های شهر قدس یک راه ارتباطی بین مناطقی که بر آنها

حاکمیت دارند، خواهند داشت.

* فلسطینی‌ها فقط راهی برای رسیدن به حرم خواهند داشت که از خارج قدس شروع می‌شود.

ب: موضع فلسطین

* تمامی قدس شرقی تحت حاکمیت فلسطین قرار خواهد گرفت

* محله یهودی و دیوار ندبه تحت کنترل اسرائیل و نه حاکمیت آن قرار می‌گیرند.

* (قدس) شهری باز و همکاری در سطح خدمات شهرداری در آن انجام می‌پذیرد.

* * *

* این خلاصه نتایج مذاکرات اجلاس کمپ دیوید بود، اما در نتیجه مذاکرات محلی که بین گلعاد شیر و دکتر عریقات انجام شدند طرف اسرائیلی موارد زیر را مطرح کرد که دیدگاه و موضع اسرائیل را نشان می‌دهد.

* آنها خواهان ۱۰٫۵ درصد از مرزهای غربی هستند و اسرائیل ایده مبادله را قبول نمی‌کند.

* آنها خواهان پنج پایگاه کنترل و بخش‌های فوق‌العاده برای پیاده شدن نیروهای نظامی اسرائیل با سه جاده مرتبط به آنها می‌باشند.

* سه ایستگاه هشدار سریع با مدیریت اسرائیلی و با وجود یک افسر ارتباط فلسطینی.

* کنترل اسرائیل بر ۸ درصد از مناطق دره اردن بین ۱۲ تا ۱۵ سال

* ۱۵ درصد از رود اردن و همچنین ۱۵ درصد از بحر المیت تحت حاکمیت اسرائیل قرار می‌گیرد.

* فضا و آنچه در آن است تحت حاکمیت فلسطین و کنترل کامل اسرائیل است، با سیستم مدیریتی که اسرائیل آن را در اختیار می‌گیرد.

* هیچ اقدامی در مورد حق بازگشت پناهندگان به خاک اسرائیل انجام نمی‌پذیرد و

ممکن است موضوع جمع‌آوری خانواده‌ها (۱۰ هزار نفر برای مدت ۱۵ سال) مورد قبول قرار گیرد.

* پایان کشمکش خواسته می شود.

* کشور فلسطین خلع سلاح است.

* قدس: براساس طرح هایی است که در کمپ دیوید ارایه شد.

این موضع اسرائیل است که حدود ده روز قبل (۲۹/۶/۱۲) به ما اعلام شده است و به

این ترتیب عمق اختلاف ریشه ای و شکاف وسیع بین دودیدگاه برایمان آشکار شد.

به محض این که اجلاس کمپ دیوید خاتمه یافت آمریکاییان ما را عامل توقف مذاکرات

قلمداد کردند و این گونه مطرح شد که باراک طرح های عملی در جهت حل و فصل ارائه نمود

اما طرف فلسطینی حتی یک گام نیز به پیش ننهاده. آنها نمایندگان به کشورهای مختلف

جهان فرستادند که ادعا و ایده های ذیل را مطرح نمایند.

* فرصت تنگ و زمان کم است و بایستی از آن استفاده کرد

* حکومت باراک در خطر است و ممکن است در هر لحظه ای منحل شود و جانشین آن

بهتر نیست.

* زمان باقی مانده برای کلینتون محدود است و باید از آن استفاده کرد زیرا جانشین

بعدی از هر کدام از دو حزب (دمکرات-جمهوری خواه) نمی تواند کاری را تا یک سال و یا

دو سال بعد انجام دهد.

* مشکل پر درد سر فقط موضوع حاکمیت بر حرم و اماکن مقدسه می باشد و زمانی که

این مسئله حل شود بقیه مسائل قابل حل یا در حکم پایان یافته می باشند

* ضرورتی برای برپایی گردهمایی های عربی یا اسلامی نیست زیرا این گردهمایی ها

مواضع را سخت تر می نماید و ضرورتی برای اتخاذ موضعی که روند مذاکرات را متوقف و یا

دچار مشکل می سازد وجود ندارد.

* اعلام کشور فلسطین در ۲۰۰۰، ۹، ۱۳ (بیست و سوم شهریور هفتاد و نه) به عنوان

یک مانع در مسیر فعالیت های صلح می باشد و اسرائیل را ناچار می سازد که مواضع

مخالف آن اتخاذ نمایند

نه تنها فرستادگان آمریکا کشورهای جهان را درنوردیدند بلکه اسرائیل نیز نمایندگان

را برای شرح افکار و مواضع اعلام شده فوق روانه نمود.

طبعاً ما این چنین توجیهات و بهانه‌های واهی را که در جهت تحریک ما می باشد ابداً قبول نمی کنیم و نمی پذیریم که شمشیر زمان بر گردن ما قرار داده شود زیرا تلاش اساسی ما بر این بوده و هست که حقوق مردم خود را آن گونه که حقوق بین الملل تصریح دارد تضمین نماییم و این حقوق را با زمان باقی مانده رییس جمهور آمریکا و یا وضعیت انتخاباتی مشکل نخست وزیر اسرائیل، که زمان بسیاری را به هدر داد و همچنان در خیال تحمیل راه حل خود بر ما در چارچوب «نه» های پنجگانه می باشد، مرتبط نمی سازیم.

* در چارچوب تحرک فعال فلسطینی بعد از اجلاس کمپ دیوید، ابوعمار به سفری دوره ای به تعداد زیادی از کشورهای عربی، اسلامی، اروپایی و آسیایی با هدف توضیح مواضع ما و در پاسخ به ادعاهای اسرائیلی و آمریکایی مبادرت کرد. با این هدف که همگان را به ریشه های اختلاف آگاه سازد که تعهد یا عدم تعهد به مشروعیت بین المللی را شامل می شود و درخواست برگزاری کنفرانس سران عرب و افزایش تایید اعلام کشور و موضع فلسطین نماید.

بر اساس این تحرک، اجلاس کمیته قدس در مراکش در روز ۲۸/۸/۲۰۰۰ تشکیل گردید و در بیانیه پایانی کمیته، مخالفت با هر نوع تلاش در جهت کاستن از حاکمیت فلسطین بر قدس شرقی اعلام گردید و از تمام کشورهای جهان درخواست شد تا به محض اعلام تشکیل کشور فلسطین به پایتختی قدس، حمایت خویش را ابراز نمایند. کمیته همچنین خواهان اجرای قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ و قطعنامه ویژه ۱۹۴ در مورد بازگشت پناهندگان فلسطینی شد.

در عین حال وزرای خارجه کشورهای عرب، کنفرانسی در قاهره در روزهای چهارم و پنجم سپتامبر ۲۰۰۰ برگزار نمودند و در آن با تأکید بر تعهد خود نسبت به صلح مجدداً از جامعه بین الملل برای شناسایی قدس شرقی به عنوان پایتخت کشور فلسطین آینده دعوت به عمل آوردند. همچنین جامعه عرب در بیانیه پایانی خود تصویب قطعنامه رهبران عرب در سال ۱۹۸۰ مبنی بر قطع رابطه با هر کشوری که سفارت خود در اسرائیل را از تل آویو به قدس

منتقل نماید، یادآور گشتند

خلاصه کلام آن که شکاف وسیع و عمیقی بین مواضع دو طرف وجود دارد و هنوز فاصله‌ها زیاد است و ما جز این که بر مواضع خود تکیه نماییم، چاره‌ای نداریم. اعلام تشکیل کشور مستقل فلسطین یک حق کامل از حقوق مردم ماست که می‌تواند در هر زمان و در هر موقعیتی بدون مشارکت یا مراقبت (نظارت) یا موافقت هرجهتی انجام پذیرد و این حقی از حقوق اساسی مردم در تعیین سرنوشت خود می‌باشد که حقوق بین‌المللی آن را تأیید می‌نماید و در نتیجه هنگامی که تصمیم به اعلام این حق بگیریم آن را به تنهایی و از خلال نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی خود به اجرا در خواهیم آورد.

ما در ۱۹۸۸ تشکیل کشور مستقل خود را هنگام تبعید در الجزایر اعلام کردیم و مورد شناسایی بیش از یکصد کشور جهان قرار گرفتیم و با این کشورها سفیر و یا کارگزار مبادله کردیم بنابراین در دیدگاه جهانیان به عنوان کشوری مطرح شدیم که در انتظار تحقق آن بر روی زمین است. در دو سال اخیر در نتیجه طول دادن زمان اجرای توافقات مرحله‌ای از سوی اسرائیل و ورود در مذاکرات مرحله‌نهایی و به علت پایان یافتن مرحله‌ای از سوی اسرائیل و ورود در مذاکرات مرحله‌نهایی و به علت پایان یافتن مرحله انتقالی، تصمیم گرفتیم که تشکیل کشورمان را اعلام کنیم و چندین زمان را مشخص ساختیم که آخرین آنها ۲۰۰۰/۹/۱۳ بود.

باید این نکته را به خودمان یادآور شویم که گستردگی شناسایی کشورها نسبت به دولت مستقل فلسطین در الجزایر اساساً به دلیل قبول قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۲۳۸ توسط سازمان آزادی بخش فلسطین و تعهد آن به مشروعیت (حقوق) بین‌المللی و قبول وارد شدن به جامعه بین‌الملل بر اساس اصول مربوط می‌شد. و این تعهد عامل اصلی بود که کشورهای جهان را به شناسایی اعلام کشور در تبعید و همکاری با آن کشاند. بر این پایه که این کشور موجود و از کلیه لوازم نمایندگی دیپلماتیک و مشابه آن برخوردار است.

امروزه از دیدگاه بسیاری از کشورهایی که ما را شناسایی نمودند، شناسایی یک دولت تشکیل شده در تبعید با یک دولت تشکیل شده در سرزمینی مشخص تفاوت زیادی دارد ولی با

این وجود حق و اعلام تشکیل یک دولت مستقل را به ما دادند.

اعلامیه برلین در مشخص کردن این موضع کاملاً روشن بود اما همه آن کشورها بر ضرورت این که اعلام تشکیل کشور پس از آمادگی خوب و پس از توافق با طرف دیگر (اسرائیل) انجام پذیرد، پافشاری می نمایند. از این رو، باید توقع تأیید و شناسایی توسط کشورهای جهان را داشته باشیم - و غافلگیر نشویم - و باید این گام را بسیار خوب بررسی کنیم و گرنه گامی در خلاء خواهد بود.

پایبندی به اجرای زمانهای مشخص شده موضوعی است که دارای اثرات مثبت زیادی است و نشان دهنده صداقت و احترام و وفای به عهد و وعده می باشد. اما اجرا بایستی بر اساس محاسبات دقیق و بررسی و آماده سازی و آمادگیهای خوب باشد و صرفاً عکس العمل یا احساسی زودگذر نباشد.

ما بایستی به دقت و عنایت عکس العمل اسرائیل در مورد اعلام کشور را به لحاظ منفی یا مثبت بررسی کنیم. و اگر منفی بود اقداماتی که ممکن است برضد این اعلام اجرا شود چیست؟ و چه عکس العمل و موضعگیری در قبال این اقدامات می توانیم داشته باشیم. اگر مثبت بود و تأیید و موافقت خود را با آن اعلام کرد و شناسایی را در حدود امر واقع در نظر گرفت تا در مورد بقیه مسائل در آینده مذاکره شود، عکس العمل کشورهای جهان چه خواهد بود؟ و آیا به منازعه اعراب و اسرائیل، همچون کشمکش پایانی یافته نگرسته خواهد شد و آنچه باقی مانده است تنها مسائلی است که طرفین بایستی مذاکره کنند؟

موضوعات مرحله نهایی و مذاکرات در مورد آن و تقویت تأیید منطقه ای و جهانی در دستان ماست و اینها مسائلی در نهایت پیچیدگی و اهمیت است و نیاز به تمامی تلاش و توان و فکر و توجه ما دارد. بایستی چشم جهانیان را بر این موضوعات متمرکز سازیم و به جهانیان بگوییم تا هنگامی که این مسئله حل نشود امنیت و صلح در منطقه مستقر نخواهد شد و بنابراین باید چشمها باز و متوجه این قضایا باقی بمانند و به مسایل کم اهمیت دیگر روی نیاورند.